

### یادداشت

### رد ۳ زخم در ماجرای درخواست ورزشکار المپیک

### فضل‌الله یاری

### روزنامه‌نگار

در روز پنز گذشته که درخواست خانم مبینا نعمت‌زاده، دختر ورزشکار و قهرمان المپیک و مدال‌آور کشور، مبنی بر پذیرش بدون کنکور در رشته پزشکی رسانه‌های شد، موجی از انتقاد در جامعه شکل گرفت و بسیاری از مردم و عموما جوانان از احترامی که حول واژه‌های دختر، ورزشکار و قهرمان معمولا در کشور ما شکل می‌گیرد، عبور کرده و انتقادات تند و تیزی به سمت این دختر جوان روانه کردند.

اگرچه انتقاد چیز عجیبی نیست و این ورزشکار هم اولین کسی نیست که با این واکنش‌ها مواجه می‌شود، اما می‌توان در سه زخم را در این واکنش‌ها دید:

۱- کنکور: آزمون سراسری دانشگاه‌ها سال‌هاست زندگی بخش زیادی از جوانان و نوجوانان ایرانی و خانواده‌هایشان را تحت تأثیرات مخرب خود قرار داده است. جوانان تنها راه ادامه حیات طبیعی خود را قبولی در یکی از رشته‌های دانشگاهی می‌دانند تا از چرخه معیوب و مخرب انتخاب شغل دور مانند یکی از جاهایی که شاعر می‌سراید «از ظالمی به ظالم دیگر چگونه‌ای؟» همین‌جاست، از ظلم کنکور به دامن ستم انتخاب شغل می‌افتند. همین‌جاست که پیامدهای یک انتخاب رشته معیوب و ناقص (به لطف کنکور) در جریان انتخاب شغل و ۳۰ سال اشتغال ملال‌آور و بی‌سرانجام، خود را نشان می‌دهد و از نوجوان شاد دیروز، بيمردی بازنشسته، حسرت‌زده و پیشیمان می‌سازد.

۲- پزشکی: در میان رشته‌های کنکور، پزشکی و تلاش برای ورود به آن، خود داستان یز پرب چشم‌دگری است که خانواده‌های ایرانی را تا خود درگیر کرده است. اوج آمال و آرزوهای خانواده‌هایی که کوبی اسلحه به دست گرفته‌اند تا پسران و دختران جوان خود را به ضرب تهدید و تشر هم که شده، پزشک کنند تا در آینده هم سری توی سرها درآورند و هم محرومیت پدران و مادران خود را جبران کرده باشند. در این مسیر اگر فشار بیش از حد خانواده و جامعه، اضطراب آزمون و هزینه سرسام‌آور مؤسسات کنکور، آنها را به مرز جنون نکشاند، اگر در دوره‌های انترنی و وزیدنتی از سد افسردگی و خودکشی عبور کنند، تازه می‌شوند پزشکیانی که می‌خواهد انتقام همه حسرت‌ها و بلایای کنکور و تحصیل را از بیماران درمانده خود بگیرند.

۳- رانت: جامعه امروز ایرانی اگر تنها از یک موضوع ضربه خورده باشد، رانت است؛ فرصت‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی‌ای که برای بخشی از جامعه به‌ناحق فراهم می‌شود تا از دیگران جلو بزنند و خود در ادامه با توزیع این رانت‌ها در میان هواداران و نزدیکان یک جناح یا شخصیت سیاسی، به این معضل ستم‌بار دامن بزنند. حوزه آموزش شاید اولین جایی باشد که سر جوان ایرانی را به واقعیت سفت و سختی می‌کوبد. سهمیه‌های رانتی برای برخی افراد در مدارس دانشگاه‌ها و بورسیه‌های غیرقانونی برای انتخاب اعضای هیئت علمی دانشگاه‌ها از جمله این موارد است که روح جوان ایرانی و البته جامعه علمی را جریحه‌دار کرده است.

شاید از این سه منظر، واکنش جامعه ایرانی به درخواست طهارا قانونی یک دختر ورزشکار از رئیس‌جمهور را بهتر بتوان درک کرد. منتقدان و مخالفان این درخواست پیش و بیش از آنکه مشتکی حسود و بهانه‌گیر توصیف شوند، زخم‌خوردگان نظام معیوب و فاسد توزیع عادلانه فرصت‌ها برای احاد جامعه هستند.

### خبر

### صابر کاظمی عذرخواهی کرد

بازکن قطر پاسور والیبال ایران گفت: اگر حضور نداشتنم در تیم ملی باعث ناراحتی مردم ایران و هواداران شد، واقعا از صمیم قلب عذرخواهی می‌کنم. صابر کاظمی پس از صدور رای کمیته انضباطی و جلسه با رئیس فدراسیون والیبال اظهار کرد: متأسفانه سوء تفاهم‌هایی به وجود آمده بود که در جلسه‌ای که با آقای تقوی و فرهاد قائمی در فدراسیون داشتیم، برطرف شد و من از ایشان به‌عنوان رئیس فدراسیون کمی مشکلاتی که از حضور نداشتنم در تیم ملی به وجود آمده بود، عذرخواهی کردم ولی واقعا فکر نمی‌کردم این اتفاقات بیفتد.

او ادامه داد: برخی افراد مشورت‌های اشتباهی به من می‌دادند و در ادامه جریان‌اتی پیش آمد که خوشایند نبود. خیلی خوب می‌دانم که پوشیدن پیراهن تیم ملی یک افتخار است و این لباس تن بازیکنان بزرگی مانند سعید معروف، فرهاد قائمی، امیر غفور و سیدمحمد موسوی بوده و من در قامت و سایه این لباس و پرچم به والیبال دنیا معرفی شدم و خودم را شناختم.

این والیبالیست کشورمان تصریح کرد: در جلسه با تقوی، صوتی از یک هوادار پخش شد که به‌شدت از نتایج کسب‌شده ناراحت بود و از بازیکنانی که می‌شناخت، ازجمله من گله داشت که چسر در آن روزها متوجه اهمیت حضورم نبودم. اگر حضور نداشتنم در تیم ملی باعث ناراحتی مردم ایران و هواداران شد، واقعا از صمیم قلب عذرخواهی می‌کنم. او افزود: من یکی از نمایندگان والیبال زادگام هستم و مسرد ترکمن‌محرا همراه دیگر مردم ایران همواره من را حمایت و تشویق کردند و در موفقیت‌ها و شکست‌هایم تنهایم نگذاشتند و تمام‌قد از همه آنها و هواداران والیبال که این مدت خیلی نگران من بودند، تشکر می‌کنم.

کاظمی خاطر نشان کرد: می‌دانم آرزوی بسیاری از مردم سرزمینم بازگشت تیم ملی به روزهای اوج گذشته‌اش و تصاحب سکوهای مسابقات بین‌المللی است که اسمال محقق نشد. شرمندۀ مردم ایران هستم، ولی انگیزه مضاعفی دارم. امیدوارم سال آینده با حضور پر قدرت در تیم ملی در گاه‌سامانه تدارکات‌الکترونیکی دولت (استاد) به آدرس پاک‌کنم و بار دیگر ضمن موفقیت تیم کشورم، جزء بهترین بازیکنان تیم‌های رژیایی قرار بگیرم و دوباره نام صابر کاظمی را با لباس تیم ملی ایران در مسابقات لیگ ملت‌ها و قهرمانی جهان بشنود.

### برنامه

لستریتی – تانتهام ۲۲:۳۰	ویارنال – آلتلیتکوآرید ۲۳:۰۰
وایادولید – اسپانیول ۲۰:۳۰	یوونتوس – کومو ۲۲:۱۵

مبینا نعمت‌زاده، دختر برنزی کاروان ایران در

بازی‌های المپیک ۲۰۲۴ پاریس، چند وقتی می‌شود تبدیل به بختی داغ در فضای مجازی و حقیقی شده است. او پس از آنکه توانست اسمش را بعد از کیمیا علیزاده به‌عنوان دومین دختر مدال‌آور تاریخ ورزش ایران در بازی‌های المپیک ثبت کند، از مسعود پزشکیان، رئیس‌جمهور ایران، درخواست کرد مقدمات حضورش در دانشگاه تهران، آن‌هم بدون کنکور فراهم شود. این درخواست از همان ثانیه‌های نخست عجیب بود؛ چراکه مطابق با قانون، او بدون یارای خواستن از رئیس‌جمهور هم می‌توانست در هر دانشگاهی که دوست دارد ثبت‌نام کرده و تحصیلاتش را ادامه دهد. شاید همین تناقض عجیب بود که درخواست مبینا از پزشکیان را بیش از گذشته زیر ذره‌بین برد. اگرچه در ساعات نخست، سایر دانشگاه‌ها ازجمله دانشگاه شهید بهشتی و دانشگاه الزهرا، با صدور بیانیه‌های رسمی اعلام آمادگی کردند تا قهرمان ورزشی ایران را با آغوش باز پذیرا باشند، ولی خواسته غافلگیرکننده مبینا، اندکی بعد از راه رسید، او برای تئویر افکار عمومی هم که شده، خواسته‌اش را با جزئیات بیشتری مطرح و عنوان کرد نه ورود صرف به دانشگاه بلکه ورود به رشته پزشکی را خواستار شده است. از زمان رسمی شدن این موضوع، چندپارگی در فضای جامعه رخ داده و بسیاری از زیاده‌خواهی این دختر ۱۹ساله گفته‌اند. مبینا گفته قصد دارد با ورود به رشته پزشکی، به رؤیای کودکی‌اش جامه عمل بپوشاند. این خواسته ولی بازتاب زیادی داشته و مطابق با بندهای قانونی که از سال ۱۳۶۵ تا به الان وضع و ظاهرا رعایت شده، نامعقول به نظر می‌رسد.

#### رانت یا پاداش؟

این اولین پرسشی است که در روزهای اخیر شکل گرفته؛ اینکه صدور مجوز برای مبینا جهت حضور در رشته پزشکی، پاداشی برای مدال‌آوری اوست یا اینکه یک رانت بزرگ محسوب می‌شود؟ پاسخ اکثریت گزینه دوم است. واضح است که برای ورود به رشته پزشکی نیاز به سال‌ها سختی‌کشیدن است و دانشجویان این رشته، به‌سادگی بر نمی‌تابند تا قهرمانی، به لطف داشتن مدال برنز المپیک، بدون آنکه سختی‌های این قشر را تحمل کرده باشد، یا به این عرصه بگذارد. البته اگر از این زاویه به طریقی دیگر نگاه شود، شاید منطق آنها قابل درک باشد. مبینا نعمت‌زاده پس از مدال برنزی که به دست آورده، چهار میلیارد تومان از وزارت ورزش و کمیته ملی المپیک پاداش گرفته است. ۵۰۰ میلیون تومان فدراسیون تکواندو و پنج هزار یورو هم مدیرکل

ورزش و جوانان استان تهران به او اهدا کرده است. ضمن اینکه گفته شده قطعه‌زمینی هم در اختیار او قرار خواهد گرفت. ماجرا از این زاویه ساده است؛ اگر او سختی کشیده و توانسته مدالی برای ایران بیورد، پاداشش را که اتفاقا در مقایسه با دیگر هم‌سن‌وسالانش بسیار چشمگیر است، دریافت کرده، پرسشی که اینجا مطرح می‌شود، آن است که آیا دولت حاضر است به دانشجویانی که در رشته پزشکی پذیرفته شده‌اند، معادل پنج میلیارد تومان پاداش دهد؟ اگر پاسخ منفی است، پس مقوله رانت در اعطای مجوز به مبینا برای حضور در رشته پزشکی بزرگ می‌شود.

#### با طلایی‌ها چه باید کرد

حتی اگر اعتراض دانشجویان پزشکی هم کنار گذاشته شود، باز اعطای این مجوز به این سادگی‌ها نخواهد بود. درست است که کار مبینا نعمت‌زاده ارزشمند و قابل تقدیر است، ولی مسئله اینجاست که اگر او بخوهد با برنز المپیک، بدون کنکور، پزشکی بخواند، به دارندگان مدال‌های خوش‌رنگ‌تر چه پاداش تحصیلی‌ای باید داده؟ مثلا آبرین گستره با ۲۰ سال سن، طلای المپیک گرفته؛ پاداش درخور برای او در صورت اعطای مجوز به مبینا برای ورود به رشته پزشکی، چه رشته تحصیلی‌ای خواهد بود؟ یا اینکه ناهید کیانی به‌عنوان پرفراخترترین زن تاریخ ورزش ایران در المپیک، چه رشته تحصیلی‌ای را باید برگزید تا عدالت رعایت شده باشد؟ اینها تازه بدون در نظر گرفتن جایگاه ورزشکارانی است که در تاریخ المپیک نه یک برنز بلکه چندین مدال طلا و نقره دارند. واضح است که در ایسن زمینه هم عدالت رعایت نمی‌شود و نارضایتی‌ها یکی پس از دیگری از راه خواهند رسید.

#### تداخل نخگی

در نخچه‌بیودن مبینا نعمت‌زاده تردیدی نیست. کسی که با ۱۹ سال سن، با آن همه محدودیت که برای جامعه زنان در امر ورزش در ایران وجود دارد، توانسته مدال المپیک بگیرد، شایان تحسین است. با وجود این، موضوعی که باید روشن شود، این است که مبینا نخچه ورزشی است و طبیعی است که نتواند با وفتش

# روپوش پزشکی برای مبینا اندازه است؟



پزشکیان را بیش از گذشته زیر ذره‌بین برد. اگرچه در ساعات نخست، سایر دانشگاه‌ها ازجمله دانشگاه شهید بهشتی و دانشگاه الزهرا، با صدور بیانیه‌های رسمی اعلام آمادگی کردند تا قهرمان ورزشی ایران را با آغوش باز پذیرا باشند، ولی خواسته غافلگیرکننده مبینا، اندکی بعد از راه رسید، او برای تئویر افکار عمومی هم که شده، خواسته‌اش را با جزئیات بیشتری مطرح و عنوان کرد نه ورود صرف به دانشگاه بلکه ورود به رشته پزشکی را خواستار شده است. از زمان رسمی شدن این موضوع، چندپارگی در فضای جامعه رخ داده و بسیاری از زیاده‌خواهی این دختر ۱۹ساله گفته‌اند. مبینا گفته قصد دارد با ورود به رشته پزشکی، به رؤیای کودکی‌اش جامه عمل بپوشاند. این خواسته ولی بازتاب زیادی داشته و مطابق با بندهای قانونی که از سال ۱۳۶۵ تا به الان وضع و ظاهرا رعایت شده، نامعقول به نظر می‌رسد.

#### ترس از مهاجرت

با وجود تناقض‌های بسیاری که در این زمینه وجود دارد و در بالا به تعدادی از آنها اشاره شد، باید چند موردی که باعث می‌شود مبینا و مبیناها سهم بیشتری از جامعه (اینجا مشخصا جامعه تحصیلی) طلب کنند، برجسته شود. مهم‌ترین و جدی‌ترین آنها ترس مسئولان از مهاجرت همین نخبه‌های ورزشی است. پیش از این دیده شده بود که رسیدگی مادی به تهیای نمی‌تواند چنین ورزشکارانی را برای همیشه راضی نگه دارد تا فکر مهاجرت به سرشان نزند. از سویی وقتی شیب تند مهاجرت ورزشکاران روز به فزونی است، بدیهی است که مسئولان هم به سمتی حرکت کنند تا رضایت بیشتری را برای این قشر فراهم آورند. درست است که صحبت‌های پدر مبینا نعمت‌زاده مبنی بر پرداخت رقم‌های شگفت‌انگیز به دخترش از سوی چند کشور افرایک آمیز به نظر می‌آید، ولی حتی همین «تهدید نصفه‌ونیمه» هم می‌تواند برای مسئولان امری جدی تلقی شود. اینجاست که دیگر باید با آگاهی و اطلاعات کامل پیش رفت تا روشن شود چنین خواسته‌ای از سوی یک ورزشکار منطقی است یا خیر.

#### سهمیه واقعی

بدون در نظر گرفتن اتفاقات ریز و درشتی که در این عرصه رخ داده است، تا قبل از داستان مبینا، اختصاص سهمیه به افرادی خاص، به‌ویژه در حوزه پزشکی، همیشه محل بحث بوده و حتی تا به الان هم از بین نرفته است. کم نیستند افرادی که در همین ماجرای مبینا نعمت‌زاده اعتقاد داشتند اگر قرار است سهمیه‌ها به افرادی خاص برسد، چه بهتر که به قهرمانان ورزشی برسد که حداقل به واسطه دستاوردی که در حوزه دیگر داشته‌اند، به آن نایل شده‌اند. پس واضح است تجدیدنظر یا اصلاحات در این زمینه هم باید در دستور کار قرار بگیرد تا اگر دختر قهرمانی از ایران نتواند سهمیه پزشکی بگیرد، می‌تواند سهمیه برای سایر افرادی که صلاحیت صد درصدی برای آن ندارند نیز در نظر گرفته نشود.

#### دبیر بله، مبینا نه!

دست آخر شاید بتوان از منظر قانونی یا استثنائاتی که با یک «حکم ویژه» در این مسیر رقم خورده، این ماجرا را پیش برد. قانون به صراحت عنوان کرده قهرمانان ورزشی، چه آنهایی که در المپیک مدال گرفته و چه در رقابت‌های جهانی، می‌توانند از سهمیه دانشگاه استفاده کنند، ولی فقط در رشته‌های تربیت‌بدنی. از این قانون تا به الان بیشتر قهرمانان ایرانی از سال ۱۳۶۵ استفاده کرده‌اند. البته که این موضوع به این موارد واقف که هیچ‌وقت چنین قانونی اسیر حکمی ویژه نشده باشد؛ مهم‌ترین استثنائی که می‌توان به آن برگشت، داستان تحصیلات دانشگاهی علیرضا دبیر، رئیس کنونی فدراسیون کشتی و سیدمحمد خاتمی، رئیس دولت اصلاحات است. بی‌موقفتش پس از درخواست علیرضا دبیر در پی موقفتش در المپیک سیدینی، مسیری برای قهرمان وقت کشتی ایران فراهم کرد تا نه در رشته تربیت‌بدنی بلکه در رشته مدیریت بازرگانی ادامه تحصیل دهد. درست است که تحصیل در عرصه مدیریت بازرگانی شاید متفاوت با تحصیل در حوزه پزشکی باشد، ولی مبینا و مبیناها به این موارد واقف هستند که وقتی قانون برای یک ورزشکار یک بار تغییر کرده (البته همین مورد رسانه‌ای شده)، دلیلی ندارد دوباره دستخوش تغییر نشود. به عبارت‌سی، وقتی محمد خاتمی با یک حکم ویژه، علیرضا دبیر را به خواسته‌اش در عرصه تحصیلی رسانده (بدون بررسی عواقب آن) چرا مسعود پزشکیان برای مبینا نعمت‌زاده چنین نکنند؟ این همان خلایبی است که شاید ترمیمش نیاز به جدیت بیشتر داشته باشد.

## شرق روزانه

### نگاه بیرون

### مبینا و کوس رسوایی این جامعه موربانه خورده

### حمید باباوند

۱- ذهن‌های بیمار قوی‌تر از مافیای کنکور همه می‌دانند که ظرفیت خالی دانشگاه‌ها بیشتر از تعداد مورد نیاز کشور است، اما هنوز هم کنکور برگزار می‌شود. شبیه همان داستانی که نان تمام شده اما چرا صف را به هم می‌زنید! این صف برای عده‌ای نان و آب است!

دخترک فقط یک صندلی درخواست کرده است اما آنها که تا دیروز درد این صف را کشیده‌اند، معترض هستند که چرا فقط ما درد بکشیم؛ همه باید رنج کنکور را احساس کنند. حتی اگر روزی مافیای کنکور را بتوانیم شکست دهیم، حتی اگر روزی مدیریتی که هویتش در همین مسابقه‌های بی‌ارزش و صف‌های بی‌اقتبار است را بتوانیم پشت میز دیگری هویت بدهیم، ذهن‌های بیمار عادت‌زده‌ای که به دنبال افتخارهای «الکی» هستند را نمی‌توانیم کنار بگذاریم! این نوستالژی‌های الکی، دانش‌های الکی، هوی‌وهای الکی و …

۲- حمایت یعنی پول فقط کافی است ببینیم یک نفر رکورد طولانی‌ترین صدای فین‌کردن را در گینس ثبت کرده؛ شروع می‌کنیم به سخنرانی‌های آبیکی و الکی درباره لزوم حمایت مسئولان از استعداد‌های کشور و … هر روز کلی جزئله داریم برای جلب حمایت. هر روز یک نفر را سر چوب می‌کنیم که ببینید چه پیدا کرده‌ایم، کو حمایت‌گری تا از این استعداد حمایت کند. کافی است ببینیم فلان ورزشکار به کاری پرداخته، فریادمان بلند می‌شود که خاک بر سر دولتی که ورزشکارش باید کار کند. حالا یک ورزشکار واقعی به بالاترین نقطه افتخار رسیده و می‌گوید من نتوانستم در مسابقه کنکور شرکت کنم، اجازه بدهید از این مسابقه واقعی استفاده کنم و نه اینکه مدرک قلابی بگیرم، بروم سر کلاس دانشگاه و درس بخوانم. حالا همه همان هوجبی‌گرا چون احساس می‌کنند جایگاه الکی و قلابی‌شان خدشه‌دار می‌شود، نوک پیکان قدیمی و قلابی و دوزاری‌شان را گرفته‌اند سمت دیگر که «چی؟ باز هم می‌خواهی؟». یاد الیور توپوست افتادم. حمایت از نظر اینها یعنی پول! پول در قالب خانه، پول در قالب تضمین آینده یی‌نیز از کار، پول در قالب رفاه. پول، پول، پول! اما اگر حمایت رنگی غیرسکه‌ای داشته باشد، برای آنها عجیب است.

آن ورزشکاری که معلوم است سراغ ورزش آمده تا کسب درآمد کند اما حالا که پاداشش از سطح نیازها و توقعاتش کمتر بوده، می‌گوید یک گوسنی از این مدال‌ها می‌دهم که بروم دندانپزشکی بخوانم و کسب‌وکاری راه بیندازم و دیگر پیام را سمت سالن‌های ورزشی نچرخانم! حرف و رفتار این افراد چنان است که گفتن هر حرفی اضافه به نظر می‌رسد.

۳- مبینای عزیزم را درک می‌کنم و خوشحالم که می‌خواهد درس بخواند. به گمانم می‌تواند همین حالا بار سفر ببندد و به کشوری برود که برای درس‌خواندن در دانشگاه کنکور نمی‌دهند؛ ثبت‌نام می‌کنند و در پایان هر ترم امتحان واقعی می‌دهند تا معلوم شود که چیزی در چنته دارند یا نه! یقین دارم که بعد از هجرتش همه ملامت‌گران امروز، می‌شوند مدعیان فردا که ببینید چه کردید که قهرمان‌مان رفت. البته امیدوارم دوباره به ایران برگردد و بعد همان‌ها فکر می‌کنند چه غول عظیمی را با گذر از کنکور کشته‌اند؛ فردا پشت در مطبش زنبیل می‌گذارند و بعد هم با افتخار می‌گویند به دکترهای ایرانی که نمی‌شود اعتماد کرد، می‌روم پیش خانم دکتر که مدرکش را از آمریکا گرفته است!

۴- اگر فکر می‌کنید سقوط هیبت موربانه‌خورده، صدای مهبییی دارد، اشتباه می‌کنید. این هیبت پودر می‌شود و اسیر دست باد!

۵- جامعه الکی موربانه‌زده هر روز به دنبال دست‌آویزی است که چند روزی بی‌هویتی‌اش را فراموش کند. یک روز با افتخار و روز دیگر با اعتراض!

**نوبت اول**

**فراخوان ارزیابی کیفی مناقصه عمومی یک مرحله ای شماره ک م خ/۱۴۰۳/۰۰۱/۱**

**ساخت یک دستگاه مدل حرارتی VENT CONDENSER EA-۹۵۰**

**شرکت نفت نفت ایران**

**شرکت نفت فلات قاره ایران**

شرکت نفت فلات قاره ایران در نظر دارد فراخوان ارزیابی کیفی مناقصه فوق را از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت برگزار نماید. کلیه مراحل برگزاری مناقصه اعم از دریافت و تحویل اسناد ، صرفاً از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به آدرس **www.setadiran.ir** و شماره فراخوان **۰۲۱۲۳۹۴۹۵۰۰۰۰۲** انجام خواهدشد. لازم است پیشنهاددهندگان در صورت عدم عضویت قبلی، مراحل ثبت نام در سایت مذکور و دریافت گواهی امضای الکترونیکی را جهت شرکت در فراخوان سبقت سازند.

**اطلاعات تماس دستگاه مناقصه‌گزار:**
**تلفن: ۰۲۱۲۳۹۴۹۵۰۰۰۰۲-۰۲۱۲۳۹۴۹۵۰۰۰۰۲**

اطلاعات تماس سامانه ستاد جهت انجام مراحل عضویت در سامانه:
**مرکز تماس: ۰۲۱-۱۴۵۶**
**دفتر ثبت نام: ۸۸۹۶۹۲۷۲ و ۸۵۱۹۲۳۶۸**

**شناسه آگهی ۱۷۷۱۹۶۸**
**روابط عمومی شرکت نفت فلات قاره ایران**

**فراخوان تجدید مناقصه به شماره ۰۲۱۰۳۶۰۰۰۰۱۰۳۶۰۰۰۲۰۰۳**

**راهبری، تعمیر و نگهداری تأسیسات برقی و مکانیکی مجتمع های آموزشی نور و رویان**

بانک سپه در نظر دارد مناقصه عمومی یک مرحله ای هم زمان با ارزیابی کیفی (یکپارچه) به شماره **۰۲۱۰۳۶۰۰۰۰۱۰۳۶۰۰۰۰۲۰۰۳** برای پروژه خود با مشخصات ذیل را از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) برگزار نماید.کلیه مراحل برگزاری فراخوان از دریافت و تحویل اسناد فراخوان تا بازگشایی پاکت‌ها از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به آدرس **www.setadiran.ir** انجام خواهد شد. متقاضیان شرکت در فراخوان در صورت عدم عضویت در سامانه، نسبت به ثبت نام و دریافت گواهی امضای الکترونیکی (به صورت پرخط) برای کلیه صاحبان امضای مجاز و مهر سازمانی اقدام لازم را به عمل آورند.

۱- موضوع مناقصه: راهبری، تعمیر و نگهداری تأسیسات برقی و مکانیکی مجتمع های آموزشی نور و رویان بانک سپه بواقع در استان مازندران به مدت دو سال

۲- بر آورد هزینه اجرای کار: ۲۵۰،۳۵۰،۴۱۶،۶۹۰،۸۶۰ ریال

۳- مبلغ تضمین شرکت در فرآیند ارجاع کار: ۸۱۸،۴۲۰،۳۰۴،۴۰۳ ریال

۴- شرایط لازم مناقصه گران برای شرکت در ارزیابی کیفی: داشتن گواهینامه معتبر صلاحیت پیمانکاری حداقل پایه پنج در رشته تأسیسات و تجهیزات از سازمان برنامه و شناسه آگهی: ۱۷۶۸۲۲۱ م الف ۱۸۰

**بانک سپه – اداره کل مهندسی ساختمان**